

با آرزوی تندرستی و دیرزیستی برای استاد دانشمند، دکتر محمدعلی موحد
که افتخار آذربایجان عزیز ماست.

اشاره‌ای به کوچک‌ترین واحد زمانی

و نمونه‌ای نادر از سنجش زمان در کتاب هفتم دینکرد*

ژاله آموزگار
دانشگاه تهران

واحد‌های زمانی در متون کهن معمولاً هزاره، سده، سال، فصل، ماه، روز و بخش‌های پنج‌گانه یا چهارگانه روز هستند.^۱ واحد کوچک‌تری نیز برای زمان وجود دارد و متداول‌ترین آنها هاسر است که هم واحد زمانی و هم واحد مسافتی است.^۲

این واژه در پهلوی *hāsr /hās^ar /hāsar* است. آن را واژه‌ای قرضی از اوستا می‌دانند که در آنجا به صورت *hāθra-* آمده است.^۳ اندازه آن از لحاظ مسافتی به دو صورت است: هاسر بزرگ برابر با یک فرسنگ و هاسر کوچک برابر با یک چهارم فرسنگ.^۴

* دینکرد، به معنی اعمال و کارهای دینی، در اصل نه کتاب را شامل می‌شد. کتاب اول و دوم و بخشی از کتاب سوم از میان رفته است. نام دو تن از تدوین‌کنندگان آن آذرفرنبغ و آذریاد ایمیدان است که هر دو در سده سوم هجری می‌زیسته‌اند. کتاب هفتم دینکرد بیشتر به شرح زندگانی زردشت اختصاص دارد. نک تفضلی ۱۳۷۶، ص ۱۲۸ به بعد.

۱ - نک به آموزگار ۱۳۹۰ و منابع ذکر شده در آن.

2- Nyberg p. 98
3- Bartolomae. P.1802

۴ - مکنزی. ص ۸۸ و ۳۳۲

در فصل چهار بند ۵ کتاب *گزیده‌های زادسپرم*^۱ در عبارتی که مسافتی را شرح می‌دهد آمده است:

... hasar ē dranāy, ī hast frasang ē humānāg...^۲

... به اندازه هاسری که درازای آن همانند فرسنگی است.

هاسر در مفهوم زمانی نیز آمده است که بلند و کوتاه دارد. در فصل نه بند یک کتاب *شایست نشایست*^۳ آمده است^۴:

hāsar ī ayrē rōz- šabān pad dwāzdah bahr, ē bahr ud hāsar ī keh pad hašt- dah bahr, ē bahr.

هاسر بزرگ، یک بخش از دوازده بخش شبانه‌روز و هاسر کوچک، یک بخش از هیجده بخش شبانه‌روز است.

در رساله اندرز پوریوتکیشان^۵، بند ۳۶، هاسر مفهوم عام زمانی دارد با این عبارت:

az hamāg wināh pad pet□t bawēd ud wināh o puhl šawēd andar hāsar bē ne hēlēd.^۶

از همه گناهان توبه کنید و (توبه کرده از) گناه به پل (چینود) بروید و به اندازه هاسری (خود را توبه نکرده) رها نکنید.^۷

در مورد کاربرد این واژه هم برای مسافت هم برای زمان، این فرضیه را نیز پیش آورده است که شاید منظور مدت زمانی است که این مسافت طی می‌شود.

هاسر و اندازه‌های متفاوت آن در مباحث گاهشماری تفسیرهای گوناگون و عالمانه‌ای را به دنبال داشته است.^۸

۱ - کتاب پهلوی *گزیده‌های زادسپرم*، اثر زادسپرم موبد سیرجان در قرن سوم هجری است و شامل ۳۵ فصل است. نک تفضلی، همان، ص ۱۴۵

2- Gignoux, Tafazzoli p. 56, 57.

۳ - *شایست نشایست* ده فصل اصلی و سیزده فصل متمم دارد که در آن از گناهان و تاوان آنها، ثواب‌ها، اعمال و آئین‌های دینی و... سخن رفته است. نک تفضلی، همان، ص ۲۷۸

۴ - مزدایور، ص ۱۱۱ و ۱۱۷

۵ - اندرز پوریوتکیشان متنی اندرزی است که به پندنامه زردشت نیز معروف است. نک. تفضلی، همان، ص ۱۸۸.

6- Jamasp- Asānā. P. 46

۷ - ماهیار نوایی ص ۵۴۴

۸ - برای توضیحات بیشتر در این موارد نک. همایون صنعتی‌زاده صفحات ۲۶ - ۲۲ و بیرشک ص ۱۸۲

در متون مانوی برای چنین واحد زمانی واژه «زمان» به کار می‌رود.^۱ این اصطلاح با چنین کاربردی در فصل ششم، بندهای ۲۰ و ۲۲ کتاب شکند گمانیگ و زرار^۲ نیز آمده است.^۳

بند ۲۰) ... سال‌ها، ماه‌ها، روزها، زمان‌ها (= ساعت‌ها)...

بند ۲۲) ... از تغییر زمان به زمان (= ساعت به ساعت) و هنگام به هنگام می‌توان دانست که این گیتی بدون اداره‌کننده نیست.

*

در کنار اصطلاحات سنجش زمان که در متون کهن به کار رفته است، به موارد سنتی سنجش زمان نیز می‌توان اشاره کرد. از آن جمله «آب‌سنجی» است که یکی از روش‌های عرفی در تقسیم آب بوده است. متداول‌ترین روش آب‌سنجی این بود که پیمانه‌ای (= طاس، پیاله، فنجان، سبو، تشته، سرجه...) با سوراخی در ته آن انتخاب می‌شد. این پیمانه در داخل ظرف بزرگی مملو از آب قرار می‌گرفت و مدت زمانی که این پیمانه پر می‌شد و در آب فرو می‌رفت، نوعی واحد زمانی برای تقسیم آب به شمار می‌آمد.^۴

*

اما مورد جالب توجهی که در کتاب دینکرد هفتم آمده است و در جای دیگر نمونه‌ای از آن مشاهده نشده است، واحدی است برای زمان با مدت زمان دوشیدن شیر اسب.

در روایت اسطوره‌ای زندگی زردشت، زمانی که از کارهای شگفت‌آور و معجزه‌آمیز او صحبت می‌شود، موردی آمده است و آن شرح پیکاری لفظی است که میان او و دورسرو^۵ که نامی‌ترین کرب‌ها^۶ (= گروه روحانیان مخالف

1- Boyce. P. 104

۲ - کتاب شکند گمانیگ و زرار تألیف مردان فرخ پسر اورمزد است که احتمالاً در اواخر سده سوم هجری نوشته شده است. شانزده فصل دارد. در فصل‌های یک تا ده نویسنده به اثبات عقاید زردشتی و در فصل‌های یازده تا شانزده به انتقاد ادیان دیگر می‌پردازد. نک. تفضلی ص ۱۶۱ و همچنین آموزگار ۱۳۹۰ الف، ص ۴۶۶ و ۴۶۷.

3- De Menasce. P. 80, 81

۴ - برای توضیحات بیشتر و نمونه‌های دیگر سنجش زمانی آب نک به مقاله جواد صفی‌نژاد در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی ص ۶۰ - ۵۲ و خلاصه آن در دانشنامه ایران ص ۱۴۴ - ۱۴۳.

۵ - برای شرح این معجزات نک آموزگار، تفضلی، اسطوره زندگی زردشت

6- Dūrasraw

7- Karap

زردشت) بود صورت می‌گیرد^۱:

مراسمی در خانه پوروشَسَب^۲ پدر زردشت برپاست. پدر زردشت وظیفه تقدیس و یزش (= دعا خواندن) بر شیر را برعهده دورسَرَو که بزرگ دین مردان پیش از زردشت آن ناحیه است. زردشت که نشانه‌های پیامبری در او آشکار است، این موضوع را بر نمی‌تابد و وظیفه به جای آوردن این یزش را از آن خود می‌داند و چون با مخالفت روبه‌رو می‌شود، با پای راست خود ظرف شیر را سرنگون می‌کند و سرودی از اوستا بر زبان می‌آورد و چون دورسَرَو به مقابله برمی‌خیزد زردشت با پاسخ‌های دانشمندان و برخواندن سرودهای دینی و با اعمالی آئینی دورسَرَو را به بیهوشی فرو می‌برد:

«بند ۴۱). پس از این پاسخ زردشت به دورسَرَو، بر آن کَرَب چنان گذشت که آن نابکار از کار باز ایستاد و به اندازه مدت زمانی که یک شیردوشنده از ده اسب پُرشیر، شیر بدوشد بیهوش ماند.

بند ۴۲). این نیز پیداست که چون آن جادوگر از بیهوشی بیرون آمد، به زردشت همان‌گونه گفت و زردشت همان پاسخ را داد. از نو آن نابکار از کار باز ایستاد و به اندازه مدت زمانی که یک شیردوشنده از بیست اسب پُرشیر، شیر بدوشد بیهوش ماند.

بند ۴۳). این نیز پیداست که دیگر بار چون آن جادوگر از بیهوشی بیرون آمد به زردشت همان‌گونه گفت و زردشت همان پاسخ را داد، از نو آن نابکار از کار باز ایستاد و به اندازه مدت زمانی که یک شیردوشنده از سی اسب پُرشیر، شیر بدوشد، بیهوش ماند.»

دنباله داستان این است که سرانجام دورسَرَو از بیهوشی سوّم بیرون می‌آید و اسب می‌خواهد که بر گردونه ببندد و با وحشت از اثر کلام مقدسی که زردشت بر زبان آورده است می‌گریزد، اما مسافتی دور نشده، «دردی به او رسید پهلویش شکست، از ران گسسته شد، فرو مرد و بعد فرزندانش و بعد فرزندان فرزندانش...»

*

سنجیدن زمان با مدت زمانی که یک شیردوشنده از ده اسب یا بیست اسب یا

۱ - دینکرد هفتم، فصل ۳، بندهای ۴۵ - ۳۴، دینکرد مدن ص ۶۲۲ - ۶۲۱، آموزگار، تفضلی، ص ۸۱ - ۸۰
2- Pourūšasp

سی اسب شیر می‌دوشد، مورد نادری است که واحدهای سنتی زمانی را نشان می‌دهد و جای پای فرهنگ شبانی را در این متون پررنگ‌تر می‌کند.

کتابنامه:

- ۱ - آموزگار ژاله، تفضلی، احمد، ۱۳۸۹، *اسطوره زندگی زردشت*، نشر چشمه، چاپ هفتم.
- ۲ - آموزگار ژاله، ۱۳۹۰، «گزارشی ساده از گاهشماری در ایران باستان». *زبان، فرهنگ، اسطوره*، انتشارات معین، چاپ سوم، ص ۲۴۵ - ۲۲۷.
- ۳ - آموزگار ژاله، ۱۳۹۰ الف. «استدلال مزدیسنايي در برابر نيست خدای گویان»، *زبان، فرهنگ، اسطوره*، انتشارات معین، چاپ سوم، ص ۴۶۸ - ۴۵۶.
- ۴ - بیرشک، احمد ۱۳۶۷، *گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله*، شرکت انتشارات علمی، فرهنگی.
- ۵ - تفضلی، احمد ۱۳۷۶، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار، انتشارات سخن.
- ۶ - *دانشنامه ایران* جلد اول، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۸۴.
- ۷ - صفی‌نژاد، جواد ۱۳۶۷، «آب‌سنجی»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج اول، ص ۵۲ تا ۶۰.
- ۸ - صنعتی‌زاده، همایون ۱۳۸۴، *علم در ایران و شرق باستان*، تهران، نشر قطره.
- ۹ - ماهیار نوایی، یحیی (۲۵۳۵) (۱۳۳۵)، «گزیده اندرز پوریوتکیشان»، *مجموعه مقالات*، جلد اول، ص ۵۴۸ - ۵۲۶.
- ۱۰ - مزدپور، کتابون ۱۳۶۹، *شایست ناشایست*، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۱۱ - مکنزی، د. ن ۱۳۷۳، *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*، ترجمه مهشید میرفخرایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- 12- Bartholomae, Chr. 1961, *Altiranishes wörterbuch*, Berlin
- 13- Boyce. M. 1977, *A Word- List of Mainchaean Middle Persian and Pathian*, Leiden, Tehran, liège.
- 14- Gignoux, Ph. Tafazzoli. A. 1993, *Anthologie de Zādspram*, Studia, Iranica, Cahier 13, Paris.
- 15- Jamasp Asana, J. M. 1913, *Pahlavi Texts*, Bombay.
- 16- Madan, D. M, 1911, *Dinkart*. Bombay.
- 17- de Menasce, P. J. 1945 *Škand- Gumānik- Vičār*, Fribourg.
- 18- Nyberg, H.S, 1974, *A Manual of pahlavi, part II* Harrassowitz Wiesbaden.

